

۵. این اشکال سوم در کلمات حضرت امام هم مورد اشاره قرار گرفته است:

«الثانی: لزوم الدور، فإنّ الطهارات بما هی عبادات جعلت مقدّمة، و عبادتها تتوقّف علی الأمر الغیری، و لا یترشّح الوجوب الغیری إلاّ إلی ما هو مقدّمة، فکلّ من الأمر الغیری و العبادية يتوقّف علی صاحبه.

و قد یقرّر الدور: بأنّ الأمر الغیر لا یدعو إلاّ إلی ما هو مقدّمة، و المقدّمة ها هنا ما یؤتی بها بداعویة الأمر الغیری، فإنّ نفس الأفعال الخاصّة لم تكن مقدّمة بأی نحو اتّفقت، فیلزم أن یرکون الأمر داعیا إلی داعویة نفسه.»^۱

توضیح:

عبادت بودن طهارت متوقف است بر وجود امر غیری (چراکه تا امری نباشد، عبادی نیست) و غیری بودن آن متوقف است بر عبادی بودن (چراکه عبادی نباشد مقدمه نیست)

۶. اشکال چهارم:

ماحصل سه اشکال گذشته چنین است:

اشکال اول: مرحوم آخوند:

با توجه به اینکه طهارات ثلاث واجب غیری هستند:

۱. چرا اطاعت آنها ثواب دارد؟

۲. چگونه باید در اطاعت آنها «قصد قربت» کرد؟

اشکال دوم: مرحوم اصفهانی:

۱. چون امر غیری، ارزش مستقل ندارد، قصد قربت در مورد آنها محال است؟

۲. چون امر غیری توصلی است، قصد قربت در آنها لازم نیست؟

اشکال سوم: مرحوم شیخ:

۱. اشکال دور.

۲. امر غیری نمی تواند باعث قصد قربت شود.



چنانکه روشن است اشکال دوم مرحوم آخوند و اشکال دوم مرحوم شیخ و اشکال اول مرحوم

اصفهانی یک نکته را در بر دارند. با این حساب، در مجموع چهار اشکال مطرح است:

۱. با توجه به اینکه امر به طهارات ثلاث غیری است، و امر غیری ثواب ندارد، چرا انجام

طهارات ثلاث ثواب دارد؟

۲. با توجه به اینکه امر به طهارات ثلاث، غیری است و امر غیری ارزش مستقل ندارد،

چگونه می توان طهارات ثلاث را با قصد قربت بجای آورد؟

۳. با توجه به اینکه امر به طهارات ثلاث، غیری است و امر غیری توصلی است، چرا «باید»

طهارات ثلاث را با قصد قربت بجای آورد؟

۴. اشکال دور.

اما اشکال چهارم:

در کلمات مرحوم شیخ انصاری، اشکال دیگری هم مطرح شده است که ممکن است در ابتدا با اشکال دوم یکسان به نظر رسد، در اشکال دوم، سخن در این بود که امر به طهارت امر غیری است و اطاعت امر غیری «محتاج» قصد قربت نیست در حالیکه در اشکال سوم سخن در این است که امر غیری «نمی تواند» باعث قصد قربت شود.

مرحوم شیخ می نویسد:

«و اخرى يستشكل في أنّ الأمر المقدّمی كيف يقضى بالتعبديّة من حيث إنّها مقدّمة بعد معلومیّة

الغرض من الأمر.»^۱

مرحوم داماد این اشکال را چنین تقریر کرده است:

۱. مطارح الأنظار (طبع جدید)، ج ۱، ص ۳۵۰.



«الثالث أنه كيف يصح الامر المقدمى الغيرى قصد القرية مع أنه كما عرفت لا يمكن ان يكون

مقربا للعبد إلى المولى بل المقرب لا بدّ و ان يكون الامر النفسى.»^۱

در توضیح اشکال لازم است بگوئیم که مستشکل در کلام خویش به این نکته توجه می دهد که وقتی کسی کاری را برای رسیدن به کار دیگر انجام می دهد، طبعاً غرض و هدف او «رسیدن به کار دیگر» است، پس غرض اطاعت امر نیست.

جواب اشکال های مطرح شده:

مرحوم آخوند چهار راه حلّ را مطرح می کنند و برخی از آنها را کامل نمی دانند.

❖ راه حلّ اول مرحوم آخوند:

«فالتحقیق أن يقال إن المقدمة فيها بنفسها مستحبة و عبادة و غاياتها إنما تكون متوقفة على إحدى هذه العبادات فلا بد أن يؤتی بها عبادة و إلا فلم یؤت بما هو مقدمة لها فقصد القرية فيها إنما هو لأجل كونها فی نفسها أمورا عبادية و مستحبات نفسية لا لكونها مطلوبات غيرية و الاكتفاء بقصد أمرها الغيرى فإنما هو لأجل أنه يدعو إلى ما هو كذلك فی نفسه حيث إنه لا يدعو إلا إلى ما هو المقدمة فافهم.»^۲

توضیح:

۱. طهارت ثلاث، مستحب نفسی هستند و درعین حال مقدمه برای کاری دیگر (نماز) می باشند.
۲. پس اگر بخواهند مقدمه باشند باید به عنوان عبادت اتیان شوند.
۳. پس قصد قربت به خاطر امر مستحب نفسی است و نه به خاطر امر واجب غیرى.
۴. [ان قلت: و الاكتفاء] اگر چنین است، چرا در مقام اتیان فقط قصد امر غیرى می کنیم و قصد استحباب نفسی نمی کنیم.

۱. المحاضرات (مباحث اصول الفقه)، ج ۱، ص ۲۴۳.

۲. كفاية الأصول (طبع آل البيت)؛ ص ۱۱۱.



۵. قلت: وقتی قصد امر غیری می کنند، در حقیقت دارند آنچه را که مقدمه واقعی است (که طهارت

با قصد قربت ناشی از استحباب نفسی است) قصد می کنند [و لذا باید بپذیریم که اگر مکلف

عنایت به این ندارد که آنچه مامور به غیری است در حقیقت مستحب نفسی است، عملش باطل است.

مرحوم شوشتري در توضیح «فافهم» به مطلبی اشاره می کنند که ما در پایان توضیح عبارت آخوند به آن ملتزم شدیم.

«لعله إشارة إلى: أن الموجب لعبادة شيء إذا كان دعوة أمره العبادي بحيث يكون منشأ عباديته قصد ذلك الأمر تفصيلاً أو إجمالاً، فهو مفقود في المقام، إذ مع الجهل بعبادته أو الغفلة عنها لا يكون الداعي إلى إتيانه إلّا الأمر الغيري المغاير للأمر العبادي، فكيف يكون الداعي حينئذ - و لو إجمالاً - الأمر العبادي، مع عدم انطباق الأمر الغيري عليه، لمغايرتهما بالتضاد. فالأمر النفسى ليس داعياً لا تفصيلاً و لا إجمالاً إلى عبادة الشيء، لأنه مجهول أو مغفول عنه حسب الفرض، فلا محيص حينئذ عن الالتزام ببطلان الطهارات.»^۱



۱. منتهی الدراية فی توضیح الكفاية، ج ۲، ص ۲۶۵.